

خرابات

پیاده‌شوبا هم‌بریم



جواد طوسی

● متأسفانه این منیت، همچون اسب سرکشی در درون ماست که اگر مهارش نکنی، بدجوری کار دستت می‌دهد و حزب‌اللهی و اصولگرا و اصلاح‌طلب و روشنفکر و مستقل نمی‌شناسد. همین افراط در ستایش فیلم‌سازیانی چون عباس کیارستمی، اصغر فرهادی و ابراهیم حاتمی‌کیا باعث شده که رفته‌رفته دسترسی به این بزرگواران (حتی از طریق یک تماس تلفنی) امری ناممکن باشد.
پیا باید با دستیار و مدیربرنامه‌های‌شان هماهنگ شوی که اغلب سنگ‌قلاب‌شدن محترمانه است یا پیغام‌گیر جواب نمی‌دهد و تحویلت نمی‌گیرد. گاهی اوقات فکر می‌کنی با اوایما و کاپولا و اسپیلیگر بهتر می‌توانی دیالوگ ردوبدل کنی تا با این اساتید!
خب این شیوه برخورد متکبرانه یک توهین آشکار است. حتی اگر توجیه این باشد که ما هم کار و زندگی و خلوتی داریم- و می‌خواهیم روی فیلم و فیلم‌نامه‌بعدی‌مان کار کنیم، باز این دلیل نمی‌شود که میان افسراد قائل به تفکیک نشویم. به‌هرحال، تماس‌گیرندگان در پیغام‌گیر خود را معرفی می‌کنند و این حضرات می‌توانند لاف‌قل جواب‌گوی اشخاصی باشند که از دید خودشان کار آنها را قبول دارند و دارای شان و حرمت و سابقه‌ای هستند. حتی اگر به هر علتی می‌خواهند پیشنهادشان را اعم از گفت‌وگو و نظرخواهی و گرفتن یک مطلب نپذیرند، این را در یک صحبت دوطرفه تلفنی مطرح کنند. شاید بگویند «هم‌کلامی و وا شدن سر صحبت، مسائل خودش رو داره؛ رودربایستی و اصرار و سماجت و... که دیگه تو سن‌وسال ما حال و حوصله‌اش نیست، پس بهتره جواب ندیم تا این دردرسرها متحمل نشیم. اصلا مگه قراره ما دل همه رو به دست بگیریم؟» همین ذهنیت درونی، اولین گام در فروپاشی اخلاقی است. نمی‌خواهم خیلی بدبтал و آرماتی فکر کنم و بگویم هنرمند و فیلم‌سازی که حرف از اصول و مرام و اخلاق و انسان‌بودن می‌زند باید خودش هم از این جهات مسو لای درزش نرود. بله، هنرمند (به‌ویژه در این‌گونه جوامع) یعنی تناقض؛ ولی او به‌هرروی، نباید به گونه‌ای در برخورد‌های فردی و اجتماعی و فرهنگی‌اش رفتار کند که با یک تفاوت آشکار توی ذوق‌زننده میان اثر هنری و شخصیت سازنده‌اش روبه‌رو شویم- و بگویم واقعا این همونیه که فلان فیلم معروف رو ساخته؟ قبول دارم که هنرمند هم مثل هر آدمی در این اوضاع و احوال گاهی اوقات به هم می‌ریزد، بی‌دل و دماغ می‌شود، روحیه اجتماعی‌اش را به هر علتی از دست می‌دهد و... خلاصه «آدم‌به‌دور» می‌شود، ولی این حس‌وحال مقطعی و ناخواسته، با سیر مداوم حصارکشی‌ی عامدانه و کلاس‌گذاشتن و تبدیل‌کردن خود به یک شخصیت دست‌نیافتنی فرق دارد.

شرق: داریوش مهرجویی از بدقولی‌هایی که برای تبلیغ نمایش «غرب واقعی» پیش آمده، در جمع اصحاب رسانه گلایه کرد. نمایش «غرب واقعی» که به کارگردانی داریوش مهرجویی، مدتی است در پردیس «کوروش» روی صحنه رفته است و شامگاه ۱۱ مهر، به شکل ویژه برای هنرمندان و اهالی رسانه اجرا شد.

در این اجرا که سیدضیاءالدین دری، هوشنگ گلمکانی، احمد طالبی‌نژاد، شمس‌لنگرودی، حافظ موسوی، امیرعلی دانایی، هادی ساعی و... حضور داشتند، داریوش مهرجویی از بدقولی‌هایی که برای تبلیغ نمایش «غرب واقعی» پیش آمده، در جمع اصحاب رسانه گلایه کرد. نمایش «غرب واقعی» که به کارگردانی داریوش مهرجویی، مدتی است در پردیس «کوروش» روی صحنه رفته است و شامگاه ۱۱ مهر، به شکل ویژه برای هنرمندان و اهالی رسانه اجرا شد.

او در اولین فیلمش «کودک و سرباز» با همین لحن و صدا ظاهر شد و چون غیرحرفه‌ای بود، خیلی هم دلنشین جلوه کرد. البته پرکاری و انبای نقش‌های مشابه هم مزیدبر علت شدند. به قول خودش، فقط در برنامه اذان و اخبار نیست. و البته توی کانال کوثر (خنده).
او در کارنامه‌ات همه‌چیز فیلمی دیده می‌شود. از فیلم‌های تلخ و سیاهی مثل توره دیو، آن سوی آتش، بودن با نبودن تا کمدی‌هایی‌مانند روز باشکوه و دومینه سبب. تابع چه شرایطی فیلم می‌سازی؟

من تا رسیدن به «روز باشکوه»، ۱۹ فیلم‌نامه به ارشاد و فارابی دادم که در فاصله‌ای سه‌ساله همه رد شدند. من هم که به‌جز سینما کار دیگری نه دارم و نه بلدم. یعنی ۱۹ مدغده ذهنی را نوشتم و نشد. شوخی نیست. آن هم پس از ساختن آن سوی آتش که می‌دانی در جشنواره‌های متعدد جهانی مطرح شده و جوایزی هم گرفته بود. یک روز داشتم عرض خیابان جمهوری را طی می‌کردم که دستی به شانه‌ام خورد. دیدم یونس صباحی است که آن موقع مدیر تولید هدایت فیلم بود. پرسید یک سناریو داریم کار می‌کنی؟ بی‌معطلی گفتم بله. چون فکر کردم روش کار می‌کنم و به شکلی درمی‌آورم که موردپسندم باشد. سناریو را خواندم و بازنویسی‌اش را آغاز کردم که در پایان کار، خودشان گفتند ما می‌توانیم سناریو اولی را هم بسازیم. یعنی دگرگونی تا این حد بود. این نخستین تجربه من در عرصه طنز بود. گرچه قبل از آن «شبح کزدم» را هم ساخته بودم که فیلمی کاملاً ترازیک بود، اما حسی از طنز هم در آن جریان داشت.

او من فکر می‌کنم «روز باشکوه» یکی از بهترین

هنر

کافظمی، در سودای وطن

هنرهای تزئینی را تأسیس کردند و به موزات آن کارهای گرافیکی سازمان جلب سیاحان را انجام دادند؛ از طراحی آرم گرفته تا پوسترها و... . ایشان در ایران به فعالیت‌هایشان ادامه دادند و در سال‌هایی هم همکاری‌هایی با بخش استستیک تلویزیون ملی ایران داشتند. بعد به استرالیا کوچ کردند و در سال‌های اقامتشان در این کشور، بیشتر به نقاشی مشغول بودند تا اینکه متأسفانه هفته گذشته فوت شدند. آن چیزی که امروز به‌لحاظ گرافیک نوین ایران می‌شناسیم، توسط ایشان بنیان گذاشته شد. هوشنگ کافظمی تنها کسی بود که گرافیکی را در ایران مطرح کرد که هویتی ایرانی داشت، برخلاف

قباد شیوا

گرافیسیت

مرحوم هوشنگ کافظمی، اولین هنرمندی بودند در ایران، که سال‌ها پیش، وقتی ما خیلی کم‌سن‌وسال بودیم، عازم فرانسه شدند و در آنجا به‌صورت آکادمیک به تحصیل گرافیک پرداختند. یعنی آقای کافظمی اولین فرد ایرانی‌ای بودند که در رشته گرافیک، تحصیلات علمی داشتند. بعد از اینکه تحصیلات ایشان در فرانسه تمام شد، به هلند مهاجرت کردند و برای شرکت هواپیمایی KLM کار کردند و بعد از چندسال از هلند به ایران بازگشتند و دانشکده

هوشنگ کافظمی، گرافیسیت، در سکوت و فراموشی در گذشت

مرگ در غربت

سعی می‌کردیم بنیان‌های هنری را به هنر بازگردانیم ضمن اینکه رفتار و روح هنر مدرن را هم از دست ندهیم.

او افزوده بود: «اصلا موضوع خط را ما در هنرکده شروع کردیم یعنی مطرح‌کردن خط به‌عنوان یک المان و یک عنصر تزئینی و نه‌فقط حامل یک پیام؛ و اصلا درسی مخصوص این موضوع در هنرکده داشتیم. من مدعی هستم که خیلی از موضوعات در این هنرکده برای بار اول مطرح شد که توجه به خط به‌عنوان یک عنصر تزئینی یکی از آنها بود.»

کافظمی در کنار این فعالیت‌ها، دومین نمایشگاه دوسالانه تهران را در سال ۱۳۳۸ در کاخ گلستان برگزار و بخش گرافیک سازمان جلب سیاحان را راه‌اندازی کرد. کارهایی نیز در زمینه طراحی صنعتی و دکوراسیون داخلی انجام داد که شاخص‌ترین آنها طراحی تزئینات داخلی و صنعتی سد سفیدرود در سال ۱۳۴۰ است.

کافظمی در همین گفت‌وگو با بیان اینکه نقاشی را هم ادامه داده است، در مورد پیشینه و جایگاه فعلی گرافیک ایران چنین گفته بود: «خیال می‌کنم گرافیک، خیلی پیش‌تر هم صحبتش در دانشکده هنرهای زیا بود. خامی به اسم امینی آتجا بود که گرافیک را نه به صورتی که ما امروز می‌شناسیم اما با یک برنامه‌ی تقریبا مدون و تنظیم‌شده مطرح کرده بود. او برنامه‌ای به نام طراحی تزئینی داشت و همیشه مسائلی را که با چاپ سروکار داشت وارد می‌کرد. خب در این

برنامه گرافیک هم وارد می‌شد چون این موضوع یک مقدار کارهای چاپی نیاز داشت، بروشور می‌خواست، پوستر و نمونه‌های چاپی دیگر احتیاج بود، بدون اینکه اسم گرافیک در میان باشد یعنی درواقع بدون توجه یا برنامه‌ریزی به شکل امروزی کارهای گرافیکی خودبه‌خود انجام می‌شد. گرافیک ایران در حد گرافیک جهانی رسیده و حد و مرتبه بالایی دارد.»

او همچنین در دو دهه پایانی عمرش به کشور دیگری مهاجرت کرد. این طراح گرافیک در سال ۱۳۷۶ در شهر پرت استرالیا ساکن شد و روز چهارم مهر سال جاری در ۹۲ سالگی درگذشت. درگذشت او اما با سکوت خبری همراه شد و بازتاب‌های داخلی



عکس: نیلی رخشا

نداشت. نعتنها رسانه‌های رسمی اعم از خبرگزاری‌ها و مطبوعات از درگذشت او اطلاعی نداشتند، بلکه دو، سه سابتی هم که در حوزه گرافیک مشغول به فعالیت هستند، چند روز پس از فوت او در روز هشتم مهر این خبر را منعکس کردند.

و زمانی که خیال شما را راحت می‌کنند، دست آدم را در حنا می‌گذارند. «غرب واقعی» که نوشته‌ای از سم شیرد است و چند سال قبل توسط داریوش مهرجویی ترجمه شده، با بازی امین حیایی، محمد خلیج‌زاده، جمال مرتضوی و جمیله فردین روی صحنه می‌رود و قرار است امیرعلی دانایی نیز به گروه اضافه شود. در این نمایش ۹۰ دقیقه‌ای که در طبقه ششم پردیس کوروش و در سالن البرز روی صحنه می‌رود، داستان دو برادر و تضادهای زندگی و رفتاری آنها روایت می‌شود.

در زمانی که خیال شما را راحت می‌کنند، دست آدم را در حنا می‌گذارند. «غرب واقعی» که نوشته‌ای از سم شیرد است و چند سال قبل توسط داریوش مهرجویی ترجمه شده، با بازی امین حیایی، محمد خلیج‌زاده، جمال مرتضوی و جمیله فردین روی صحنه می‌رود و قرار است امیرعلی دانایی نیز به گروه اضافه شود. در این نمایش ۹۰ دقیقه‌ای که در طبقه ششم پردیس کوروش و در سالن البرز روی صحنه می‌رود، داستان دو برادر و تضادهای زندگی و رفتاری آنها روایت می‌شود.

بود که بر اثر ضرورت، همراه می‌شوند. در کشوری که همه‌جایش روی گسل‌های زلزله است. زلزله هولناک تهران بیخ‌گوشمان است. پس از هر زلزله‌ای تب داغ زلزله تهران بالا می‌گیرد و زود هم فراموش می‌شود. به همین دلیل، در مراسم اهدای چند جایزه به این فیلم در جشنواره فجر سال ۸۳ که عده‌ای از مقامات سیاسی هم حضور داشتند، گفتم این فیلم را ساخته‌ام تا آب خوش از گلویتان پایین نرود.
او به‌نظر بد نیست در آستانه پنجم دی که سالگرد زلزله بم است، این فیلم در گروه هنر و تجربه نمایش داده شود...
او ایده خوبی است و می‌تواند پیکری شود. البته فیلم در اختیار بنیاد سینمایی فارابی است و آنها باید پیکری کنند. بله. این یک فیلم کاربردی است.
او اگر به هر دلیل فیلم «چاله‌چوله» ساخته نشود، طرح با فیلم‌نامه دیگری داری؟
فیلم‌نامه دیگری دارم به نام کانایه که حتی پیش از چاله‌چوله آماده ساخت بود ولی منتظر نتیجه چاله‌چوله ماندم. اگر این نشد، کانایه را حتما امسال خواهم ساخت. ضمن اینکه تعهدی هم برای ساخت یک مجموعه با نام ۸۸ متر به تلویزیون دارم که امیدوارم در سال آینده، تولیدش را شروع کنم. موضوعش هم کلاهبرداری‌هایی است که در زمینه مسکن رواج پیدا کرده و اغلب مردم از آن بی‌خبرند.
او به آینده سینمای ایران امیدواری؟
به‌شدت. مهم نیست مدیریت‌ها گاه غلط عمل می‌کنند؛ مهم این است نسل تازه‌ای از سینماگران از راه رسیده‌اند که همه محدودیت‌ها را دور می‌زنند و فیلم‌های خودشان را می‌سازند. از میان اینها قطعا چند فیلم‌ساز خوب ظهور خواهند کرد.

چهره روز

بالاهام از «توت‌فرنگی‌های وحشی» برگمان همکاری مجددنغمه نمینی ومسعودی



● **شرق:** نمایش‌نامه «زبان تمشک‌های وحشی» که بالهام از «توت‌فرنگی‌های وحشی» اینکمار برگمان توسط نغمه نمینی – استاد گروه نمایش دانشگاه تهران- نوشته شده، به‌زودی توسط شیوا مسعودی – استاد دیگر گروه نمایش دانشگاه تهران- کارگردانی خواهد شد. به‌زودی مجموعه «شهرزاد» هم به نویسندگی مشترک نغمه نمینی و حسن فتحی در شبکه نمایش خانگی توزیع می‌شود. از نمینی پیش‌تر در بهار ۹۲ طی همکاری با شیوا مسعودی، نمایش «اینجا کجاست» در سالن سایه تئاتر شهر اجرا شده بوده و این نمایش جدید احتمالا برای سال آینده به اجرا می‌رسد. نمینی درباره فعالیت‌های اخیرش گفت: قرار است در همین پاییز امسال نمایش‌نامه «نگاهمان می‌کنند» توسط نشر افراز منتشر شود. این نمایش‌نامه سه سال قبل قرار بود توسط محمدرضا اصلی روی صحنه برود که متأسفانه این اتفاق نیفتاد و این اثر تاکنون به اجرا نرسیده است. او با اشاره به اینکه تلاش می‌شود تا «نگاهمان می‌کنند» در زمستان امسال به اجرای عمومی درآید، گفت: این نمایش‌نامه درباره یک نوع احساس عدم امنیت انسان معاصر از زیر نگاه‌بودن است به این معنی که زندگی خصوصی کم‌کم معنای خود را از دست می‌دهد و همه می‌توانند از زندگی هم سردربیاورند. از این درام‌نویس اخیرا نمایش‌نامه‌های «خانه» و «هیولاخوانی» توسط نشرهای نی و افراز منتشر شده‌اند؛ نمایش‌نامه‌هایی که پیش‌تر توسط کیومرث مرادی و محمد یعقوبی روی صحنه آمده بودند.

زیر آسمان فیروزه ای

با حضور مسجدجامعی انجام شد

افتتاح نمایشگاه «حج ناتمام»

● نمایشگاه «حج ناتمام» با حضور عضو شورای اسلامی شهر تهران در گالری ترکس اداره ارشاد تهران افتتاح شد. احمد مسجدجامعی، عضو شورای اسلامی شهر تهران، عصر روز جمعه به نگارخانه گل ترکس در اداره ارشاد شهر تهران رفت و نمایشگاه هنری حج ناتمام را افتتاح کرد. او در افتتاح این نمایشگاه با اشاره به کار بزرگ اداره ارشاد شهر تهران برای جمع‌آوری آثار مرتبط با حج توضیح داد: «با توجه به وقایع مناس و درحالی‌که اجساد جان‌باختگان هنوز به کشور بازنگشته است، جمع‌آوری آثار و برپایی چنین نمایشگاهی حائزاهمیت است. در این نمایشگاه سعی شده با بیان لطیف هنری به وقایع منا نگاه شود.»مهرشاد کافظمی، رئیس اداره ارشاد تهران، با بیان اینکه این قاجعه همه اقتشار جامعه را تحت‌تأثیر قرار داده و هرکس به‌نوعی با خانواده‌های جان‌باختگان منا، ابراز همدردی می‌کند، اظهار کرد: «هنرمندان کشورمان نیز همیشه در کنار مردم هستند و هرگاه احساس مسئولیت کنند، وارد عمل می‌شوند.»رئیس اداره فرهنگ و ارشاد شهرستان تهران با ابراز همدردی با خانواده‌های جان‌باختگان منا و آرزوی سلامتی برای آسیب‌دیدگان این حادثه، تصریح کرد: «اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی تهران وظیفه خود می‌داند که در زمینه‌های فرهنگی و هنری و برای ثبت در تاریخ، هر کاری که می‌تواند انجام دهد تا نام و یاد شهیدان منا را گرامی بدارد.»

نکوداشت بزرگان قلم‌رزی در «مس‌نگار»

● **شرق:** گالری مس‌نگار به روال هرساله‌اش، همراه امسال هم نمایشگاهی از آثار درخشان و فاخر هنرمندان قلم‌زن ایران برگزار خواهد کرد. در این نمایشگاه گروهی که دو هفته ادامه دارد و از روز جمعه، هفدهم مهرماه در گالری مس‌نگار افتتاح خواهد شد، آثار نفیس و نادری، از هنرمندان نامدار و استادان بزرگ این هنر دربین، در کنار آثار چند هنرمند جوان به نمایش گذاشته خواهند شد. استادانی که آثارشان در این نمایشگاه ارائه خواهد شد عبارتند از: استادان قدید محمود دهنوی و هاگوینان، منصور حافظ‌پرست، اکبر بزرگیان، رضا قادران، مجید بهرامی‌پور، محمدمهدی باباخانی، مصطفی میرفخرانی و محمد حیدری. از بین هنرمندان جوان‌تر هم می‌توان به حبیب آروان، محمدرضا ملالی، محراب دامادی، رضا عابدی، حسن نیسانی، کمال لطفی، امید ساعی، عمران شیرزاده، رسول امینی، شاپور اکبری، محسن براتی، روح‌الله جولایی، باقر نفری، صدف میرفخرایی و... اشاره کرد. نمایشگاه گروهی «آثار نفیس هنرمندان قلم‌زن» جمعه ۱۷ مهر، از ساعت ۱۶:۳۰ افتتاح شده و تا پنجشنبه ۳۰ مهر در گالری مس‌نگار به نشانی مجتمع پارک پرنس، واحد تجاری شماره پنج و به نشانی تهران، خیابان ملاصدرا، خیابان شیراز شمالی، کوچه حکیم اعظم، برپا خواهد بود.